

مطالعه تطبیقی ماهیت «دیات» در اسلام و «خسارت‌های تنبیهی» در آمریکا

احمد دیلمی*

استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۱۸

دریافت: ۱۳۹۲/۱/۱۱

چکیده

امروزه جدایی دو حوزه «جرم و مجازات» از «خطاهای مدنی» امری ضروری است و موجبات مسؤولیت، ناگزیر باید در یکی از این دو گروه طبقه‌بندی گردد و آثار آن‌ها نیز تابع قواعد عمومی آثار یکی از این دو باشد. از این رو، با ورود نهاد دیات به حقوق ایران، پرسش از چگونگی طبقه‌بندی آن در گروه نهادهای حقوقی یا مدنی مطرح شد. نظریه قائل به تلفیق دیات از عناصر هر دو گروه، برخلاف دو نظریه رقیب، می‌کوشد که به این وسیله همه عناصر و آثار آن را توجیه کند. قائلان به این نظریه جهت توجیه امکان برخورداری یک نهاد حقوقی از ماهیت دوگانه، به نهاد «خسارت‌های تنبیهی» در حقوق آمریکا استشهاده می‌کنند. این نوشتار امکان برخورداری یک نهاد حقوقی - مانند دیه - از ماهیت دوگانه را مورد تأیید قرار می‌دهد و به میزان اشتراک و افتراق دیات و خسارت‌های تنبیهی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: دیات، خسارت‌های تنبیهی، جبران خسارت، مجازات، ضمان

۱. مقدمه

از هنگام تصویب قانون مجازات اسلامی، بحث‌های فراوانی در مورد جنبه‌های مختلف دیات پدید آمد. قرن‌ها دوری مقررات فقهی از میدان آزمون و خطا، کم‌اطلاعی مراکز علمی فقهی از تازه‌ترین تحولات در روابط اجتماعی و نظام‌های حقوق کیفری و مسؤولیت مدنی و فقدان تجربه لازم قانونگذاری از عمده‌ترین دلایل این امر است؛ اگر چه تولّد یک نهاد حقوقی به طور طبیعی پاره‌ای مباحث نو را به همراه می‌آورد.

بحث از ماهیت حقوقی دیات، یکی از جنبه‌های گفتگو درباره این نهاد حقوقی و فقهی است. با توجه به آثار متعدد حقوقی که بر این بحث مترتب می‌گردد، از ابتدای تصویب قانون دیات، برخی از عالمان حقوق و فقیهان تلاش کرده‌اند، تا به آن پاسخی در خور بدهند که اهم این دیدگاه‌ها در این نوشتار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برخی از نویسندگان با ضروری انگاشتن این امر که هر نهادی مانند «دیه» الزاماً باید در گروه مجازات‌ها یا جبران خسارت طبقه‌بندی گردد، در صدد تطبیق دیه بر یکی از این دو ماهیت بوده‌اند؛ ولی برخی از صاحب‌نظران با قبول امکان اجتماع این دو عنوان در یک نهاد حقوقی، دیه را دارای ماهیت دوگانه می‌پندارند.

مطالعات تطبیقی از جمله در نظام حقوقی آمریکا نشان می‌دهد که نهاد مشابهی به‌عنوان «خسارت‌های تنبیهی»^۱ وجود دارد که بحث‌های مشابهی در مورد ماهیت آن مطرح شده است و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با «دیه» دارد. از این رو، پرسش این است که: (۱) ماهیت «خسارت‌های تنبیهی» چیست؟ (۲) این خسارت‌ها چه وجوه اشتراک و افتراقی با «دیات» دارند؟ (۳) آیا اصولاً امکان وجود نهادهای حقوقی دارای ماهیت دوگانه کیفری و مدنی وجود دارد؟

هدف اصلی این نوشتار مقایسه دو نهاد «دیه» و «خسارت‌های تنبیهی» در دو نظام مختلف حقوقی است و بررسی ماهیت حقوقی دیه پیش‌نیاز این مقایسه است.

1. Punitive damages (En) / dommage punitive (fr)

۲. تعریف، ویژگی‌ها و ماهیت «دیه»

۱-۲. تعریف «دیه»

واژه «دیه» در لغت مصدر بوده، معنای عام آن «ادا کردن» است که به جای اسم مفعول، یعنی «آنچه ادا می‌شود» به کار می‌رود و معنای خاص آن، مال یا «خونبهایی» است که در مقابل تلف نفس پرداخت می‌گردد [۱، ص ۶۵۴؛ ۲، ص ۴۰۱؛ ۳، ص ۴۹۰ و ۶۱۴].

فقیهان امامیه در تعریف دیه گفته‌اند: «دیه، مالی است که به سبب جنایتی که بر انسانی آزاد وارد شده، پرداخت آن واجب می‌شود، خواه این جنایت نسبت به جان شخص واقع شده باشد و خواه به پایین‌تر از جان (اعضا) و گاه این لفظ تنها به مقادیر معین شده (از طرف شارع) گفته شده است و به سایر موارد «ارش» گفته می‌شود [۴، ص ۴۸۹؛ ۵، ص ۲]. البته برخی از فقیهان معاصر عنوان «دیه» را تنها در مقادیر معین شده از طرف شارع به کار برده‌اند [۶، ص ۱۸۶].

همین تعریف با اندک تفاوت‌هایی در الفاظ از سوی عالمان اهل سنت نیز ارائه گردیده است [۷، ص ۵۱-۵۴].

طبق تعاریف فقهی مذکور، دیه مالی است که در قبال تعدی بر جان یا اعضای شخص (تعدی بر جان و جسم شخص) باید پرداخت گردد و یا تنها مال معین شده‌ای (از طرف شارع) است که در قبال تعدی بر جان یا اعضای شخص باید پرداخت گردد.

در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در تعریف جدیدی از دیه آمده است: «دیه اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس، اعضا و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود».

بنابراین، قانون مجازات اسلامی با پذیرش مفهوم عام دیه، قلمرو آن را بر همه موارد تعدی به جان یا اعضا و منافع، اعم از این‌که مقدار معینی برای آن از طرف شارع



در نظر گرفته شده باشد، یا خیر، توسعه داده است. در نتیجه، طبق تعریف این قانون دیه شامل موارد ارش نیز می‌گردد.

۲-۲. ویژگی‌های دیات

با توجه به تعریف ارائه شده و سایر احکام مسلم دیه، عمده‌ترین ویژگی‌های آن را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

۱-۲-۲. قلمرو دیات

۱-۱-۲-۲. مورد دیه، ضرر جانی یا بدنی یا منافع آن است؛ یعنی تنها هنگامی فرد محکوم به پرداخت دیه می‌گردد که در نتیجه عمل او فردی کشته شود یا به اعضای او یا منافع آن‌ها نقص و ضرری وارد گردد (م. ۱۷. ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲).

۲-۱-۲-۲. چه در مواردی که فرد به عمد اقدام به قتل دیگری می‌کند و بازماندگان مقتول از قصاص صرف‌نظر کرده، به دریافت دیه رضایت می‌دهند، و چه در مواردی که شخص به طور شبه عمد و یا خطای محض چنین کاری می‌کند، پرداخت دیه لازم است (م. ۱۷. ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲).

۲-۲-۲. اثر دیات

دیه مال مادی و اقتصادی است (م. ۱۷. ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲).

۳-۲-۲. مالک دیه (گیرنده دیه) در صورت قتل، دیه به وراث مقتول و در صورت ورود ضرر به اعضا یا منافع به خود زیان دیده داده می‌شود و دولت هیچ سهمی از آن ندارد (م. ۴۵۲. ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲).

۴-۲-۲. مسؤول ادای دیه

۱-۴-۲-۲. اصولاً مسؤول پرداخت دیه خود مرتکب است؛ لکن در موردی که در نتیجه

خطای محض فردی کشته شود، یا به اعضای بدن یا منافع او ضرری وارد گردد، و حتی در مورد عمد و شبه‌عمد، اگر جانی فرار کند یا قادر به پرداخت دیه نباشد، عاقله یعنی خویشاوندان ذکور او باید دیه او را به زیاننده یا وراث او پرداخت کنند (مسئولیت جمعی و طولی خویشاوندان ذکور جانی در دیه) (م ۶۶۳-۴۸۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲).

۲-۴-۲. در مواردی که شخص مرتکب، قادر به پرداخت دیه نباشد، ویا عاقله وجود نداشته یا متمکن نباشد، دیه مقتول یا زیاننده باید از بیت‌المال پرداخت گردد (م ۴۷۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲).

در موارد وجود بیمه مسئولیت، که مختص جرائم غیر عمدی و خطاهای محض است، شرکت بیمه طبق شرایط قراردادی یا قانونی مسئول پرداخت خسارت است؛ لکن چون در بیمه مسئولیت بیمه‌گر به نیابت از بیمه‌گزار (مسئول اصلی)، خسارت را پرداخت می‌کند، وجود قرارداد بیمه تأثیری در رژیم حقوقی تعیین مسئول اصلی پرداخت ندارد.

۲-۵. انتقال قهری دیات

با مرگ شخص تعدی‌کننده، دیه ساقط نمی‌گردد، بلکه مانند سایر دیون مؤجل، حال شده و از ترکه او خارج و به زیاننده ویا اولیای او پرداخت می‌شود (تبصره م. ۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲).

۲-۶. مبنای دیات

۲-۶-۱. در قتل یا جرح عمدی که مجازات آن قصاص است، اولیای دم می‌توانند از قصاص صرف‌نظر و با جانی نسبت به پرداخت دیه توافق کنند (م ۳۴۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲).

۲-۶-۲. منبع پیدایش دیه قانون است و قرارداد نقشی در پدید آمدن آن ندارد (م ۱۷ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲).

۷-۲-۲. مقدار دیات، بسیاری از مقادیر دیه به موجب قانون مشخص شده است و تعیین برخی از مقادیر آن نیز به قاضی واگذار شده که با استفاده از نظر کارشناسی آن را تعیین می‌کند. اصطلاحاً به این موارد «ارش» و یا «حکومت» گفته می‌شود (م ۴۴۸ و ۴۴۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲).

۸-۲-۲. جنبه عمومی و خصوصی دیات

حکم به پرداخت دیه متوقف بر درخواست شخص زیان‌دیده است و دادگاه خود نمی‌تواند اقدام به صدور حکم در این باره کند.

۹-۲-۲. هدف دیات

هدف دیات رفع آثار مستقیم مادی و اقتصادی ناشی از تجاوز به تمامیت جسمانی فرد است. این امر را می‌توان از مجموع مقررات حاکم بر دیات استنباط کرد.

۳-۲. ماهیت حقوقی (توصیف) دیات

پرسش اساسی این است که آیا باید قواعد عمومی حاکم بر مجازات‌ها، مانند اصل شخصی بودن و قواعد آیین دادرسی کیفری را بر دیه مترتب کرد یا این که دیه محکوم قواعد عمومی مسئولیت‌های مدنی غیر قراردادی و ضمان است. همچنین آیا می‌توان خسارات زاید بر دیه را نیز مطالبه کرد یا خیر؟ تفاوت‌های بسیاری میان این دو نظام حقوقی وجود دارد. برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها لازم است ابتدا ماهیت حقوقی دیه معلوم گردد. اغلب کسانی که در توجیه پذیرش یکی از دو احتمال تلاش کرده‌اند، مانند دکتر صانعی و دکتر لنگرودی و دکتر گرجی دارای این پیش فرض بوده‌اند که اندراج دیه تحت یکی از این دو عنوان امری اجتناب‌ناپذیر بوده و این دو احتمال محصول دوران بین نفی و اثبات و تقسیم منطقی است. در این میان برخی از صاحب‌نظران مانند دکتر عبدالقادر عوده و دکتر کاتوزیان جمع بین احکام و ویژگی‌های این دو ماهیت را

غیر ممکن ندانسته، و برای «دیه» ماهیتی تلفیقی دست‌وپا کرده‌اند. براساس این نظر، جمع بین خصیصه‌های کیفری و مدنی در یک نهاد حقوقی امکان‌پذیر است.

۲-۳-۱. ماهیت کیفری دیات

در ماده ۱۰ قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ در تعریف دیه صریحاً به مجازات بودن آن تصریح شده بود: «دیات جزای مالی است که از طرف شارع برای جرم تعیین شده است». اگر چه در ماده ۲۹۴ ق.م.ا. ۱۳۷۰ و ماده ۱۷ ق.م.ا. ۱۳۹۲ قانونگذار قید «جزایی» را از این تعریف حذف کرد، ولی ماده ۱۲ قانون اخیر مانند ماده ۷ قانون ۱۳۶۱ و ماده ۵ ق.م.ا. ۱۳۷۰ همچنان دیات را تحت عنوان کلی مجازات‌ها حفظ کرد که با توجه به قواعد تفسیر منطقی می‌توان آن را قرینه‌ای بر مجازات پنداشتن دیات قلمداد کرد.

برخی از حقوقدانان معاصر نیز در تعریف دیه خصیصه کیفری بودن را آورده‌اند: «دیه کیفری است نقدی که... از مجرم به نفع مجنی‌علیه یا قائم‌مقام قانونی او گرفته می‌شود» [۸، ص ۳۲۲؛ ۹، ص ۹۴؛ ۱۰، ص ۵۴۸-۵۵۰].

طرفداران ماهیت کیفری دیه مانند دکتر لنگرودی و دکتر صانعی برای اثبات ادعای خویش دلایل مشخصی ارائه نکرده‌اند. قانونی بودن دیه نمی‌تواند دلیلی بر ماهیت کیفری آن باشد، زیرا مسئولیت‌های حقوقی ناشی از ضمان قهری نیز ماهیت قانونی دارند. تأکید بر قانونی بودن در حقوق کیفری تنها برای نفی قراردادی بودن و حصری بودن جرائم و مجازات‌ها است و قرارداد یکی از منابع مسئولیت مدنی است.

شاید تنها دلیلی که می‌توان از جهت تحلیلی در تأیید این نظر مطرح کرد، معین بودن مقدار دیه است؛ لکن بنا بر تعریف عامی که از دیه ارائه گردیده و مورد قبول بسیاری از فقیهان قرار گرفته است، در پاره‌ای از موارد برای دیه هم مقدار معینی در نظر گرفته نشده است که اصطلاحاً به آن در این موارد «ارش» یا «حکومت» گفته می‌شود.



۲-۳-۲. ماهیت مدنی دیات

برخی دیگر از حقوقدانان دیه را فاقد ماهیت کیفری دانسته، آن را وسیله جبران خسارت در ضررهای جانی و بدنی می‌دانند [۱۱، ص ۱۶۸؛ ۱۲، ص ۱۶۹]. عوض احمد ادریس از حقوقدانان عرب با اعتقاد به ماهیت مدنی دیه، برای اثبات مدعای خود می‌گوید که حتی اگر فعلی که موجب ضرر شده به خودی خود جرم نباشد، مانند فعلی که از غیر مکلف صادر می‌شود، باز دیه ثابت است و به سبب فعل صادر شده از صغیر و مجنون نیز متضرر مستحق دیه می‌شود [۱۰، ص ۳۵۶ و ۳۵۷].

وی تصریح می‌کند که دیه به خزانه دولت تعلق نگرفته و تنها از آن مجنی‌علیه ویا ورثه او است و دولت تنها حق دارد که اگر مجرم مستوجب مجازات باشد، جانی را تعزیر کند، چه دیه را پرداخته باشد چه نه [۱۰، ص ۳۶۳ و ۳۶۴].

او به نظر ابومحمد عبدالله بن عربی اشاره می‌کند که مجازات بودن دیه در مورد جنایات خطایی هم وقتی صحیح خواهد بود که صدمه زننده تنها از مال خود دیه را بپردازد، در حالی که در جنایات ناشی از خطا دیه برعهده عاقله گذاشته شده و شخص مرتکب یا خود چیزی از دیه را نمی‌پردازد ویا این‌که او هم به مقدار یکی از افراد عاقله، دیه را بر عهده می‌گیرد [۱۰، ص ۳۵۰ و ۳۵۱].

دکتر گرجی دلایل جبران خسارت بودن دیه را به شرح زیر بیان داشته‌است:

۱. «فقیهان برای پاره‌ای از انواع دیه اصطلاح «ارش» را به کار برده‌اند و «ارش» به معنای غرامت و جبران خسارت است و در مورد مال معیوب هم، خریدار پس از آگاهی به عیب می‌تواند معامله را فسخ کند ویا مطالبه ارش کند تا خسارتی که در این معامله دیده جبران شود. پس کاربرد این کلمه در امور مدنی است، نه جزایی [۱۳، ص ۵۱].

۲. دیه‌ای که در موارد خطا و شبه‌عمد از جانی اخذ می‌شود، نمی‌تواند جنبه کیفری داشته باشد؛ زیرا عمل مرتکب اصولاً جرم به معنای اخص و دقیق کلمه نیست؛ چرا که در جرم عنصر عدوان و تجاوز ملحوظ و قصد آزار دادن و ارتکاب اعمال خلاف شرع و قانون در آن موجود است. قتل و جرمی که در آن مرتکب اصلاً قصد سوئی نداشته و

برخلاف میل باطنی‌اش پدید آمده هرگز نمی‌تواند از قبیل جرم و جنایت محض به شمار آید. لذا در این موارد زیانی که بر جسم یا عضو کسی وارد می‌شود باید از نوع ایجاد زیان و خسارت بر بدن به شمار آید که موجب ضمان می‌شود و درست مانند آن است که کسی مال متعلق به غیر را بر اثر غفلت تلف کند» [۱۳، ص ۵۱-۵۲]. البته اگر چه جرم شبه عمد و یا خطای محض هم وجود دارد که در آن‌ها عنصر روانی در حد تقصیر است و یا اصولاً وجود ندارد، لکن این حوزه مشترک بین حقوق کیفری و مسئولیت مدنی و ضمان است و وارد کردن نهادهایی که در این حوزه قرار دارند به قلمرو جرائم نیازمند دلیل اضافی است و اصل این است که این نهادها مربوط به مسئولیت مدنی و ضمان هستند.

۳. «اگر دیه جنبه عقوبت محض داشته باشد، طبق اصل شخصی بودن دیگران را نباید به پرداخت دیه جنایتی که از جانی سرزده محکوم کرده، حال آن‌که در خطای محض، دیه بر عاقله است و در عمد و شبهه عمد نیز اگر جانی فرار کند یا قادر به پرداخت دیه نباشد، عاقله و در مواردی بیت‌المال دیه را پرداخت می‌کنند» [۱۳، ص ۵۲].

۴. اگر دیه مجازات محض باشد، در صورت فوت جانی باید ساقط شود، حال آن‌که مثل سایر دیون مؤجل، حال و از ترکه جانی خارج و به مجنی‌علیه یا اولیای او پرداخت می‌شود [۱۳، ص ۵۲].

۵. در قتل یا جرح عمد که مجازات آن قصاص است، اولیای دم می‌توانند با جانی بر دیه تراضی کنند. با این تراضی، اولیا جنایت را عفو می‌کنند و جنبه کیفری (قصاص) را از میان می‌برند و تنها تأدیه خسارت ناشی از تلف جان یا عضو به‌عنوان دیه باقی می‌ماند. از آیه ۱۷۸ سوره بقره («فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاَتَّبَعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأُدْءِ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ») نیز استنباط می‌شود که دیه پس از عفو از گناه مطرح می‌شود؛ زیرا کسی که عفو شد جرمش از بین می‌رود و مالی به‌عنوان دیه می‌دهد [۱۳، ص ۵۲].

۶. معمولاً در مسائل کیفری مبلغی که به‌عنوان جریمه می‌گیرند عاید خزانه دولت می‌شود، نه شخص مجنی‌علیه، اما دیه به مجنی‌علیه داده می‌شود» [۱۳، ص ۵۳].



۷. علاوه بر دیه می‌توان تعزیر را نیز جهت زجر و اصلاح جانی در نظر گرفت، در حالی که برای یک عمل نمی‌توان چند مجازات اعمال کرد [۱۴، ص ۴۹ و ۵۰].

۲-۳-۳. ماهیت تلفیقی دیات

عبدالقادر عوده می‌گوید: «دیه مقدار معینی از مال است و اگر چه نوعی مجازات به حساب می‌آید، اما (برخلاف جزای نقدی)، به خزانه دولت داخل نمی‌شود و به مجنی‌علیه تعلق می‌گیرد. لذا به خسارت (مدنی) شباهت بیشتری دارد، خصوصاً این‌که دیه بر حسب میزان صدمه وارد شده و همچنین تعدد و یا عدم تعدد جانی در ایراد صدمه تفاوت می‌کند. اما اگر بخواهیم به جهت این شباهت قوی، دیه را نوعی خسارت بدانیم مرتکب اشتباه شده‌ایم، زیرا دیه مجازاتی جنایی است که حکم به آن متوقف بر تقاضای افراد نیست. همچنین اگر بخواهیم دیه را مجازات محض بدانیم باز به خطا رفته‌ایم، چرا که دیه مالی است که تنها به شخص مجنی‌علیه تعلق می‌گیرد.

لذا بهترین چیزی که می‌توان در مورد دیه گفت این است که دیه هم جنبه مجازات و هم جنبه خسارت (مدنی) دارد؛ مجازات است، زیرا در مقابل جرم مقرر شده است و حتی اگر مجنی‌علیه گذشت کند باز می‌توان جانی را به مجازات تعزیری محکوم کرد، و جبران خسارت است، زیرا اولاً مالی است که به طور خالص برای مجنی‌علیه در نظر گرفته می‌شود و ثانیاً اگر مجنی‌علیه از حق خود صرف‌نظر کند، نمی‌توان جانی را به پرداخت دیه محکوم کرد [۱۵، ص ۶۶۸؛ ۱۰، ص ۵۵۶-۵۶۲].

دکتر کاتوزیان در دفاع از ماهیت دوگانه دیه در برابر کسانی که دیه را دارای ماهیت یگانه کیفری یا مدنی محض می‌دانند، سؤالاتی را به این شرح مطرح می‌کند که اگر دیه مجازات است، چرا به ولی دم داده می‌شود؟ و چرا گاهی بیت‌المال عهده‌دار آن می‌شود؟ و اگر دیه صرفاً جبران خسارت است، چرا مختص قتل و جرح شده است. چرا مقدار آن ثابت است و متناسب با مقدار واقعی خسارت نیست؟ و چرا در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ (ماده ۱۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲) در شمار مجازات‌ها آمده است.

ایشان نزاع بر سر این موضوع را مصداقی از کشمکش بین ارزش سنت مبنی بر دفاع از ارزش مثلی و نوعی افراد، با ندای عدالت مبنی بر ارزش مالی شخصی و شایسته هر فرد می‌دانند و در ردّ احتمال مجازات صرف بودن دیه دلایل زیر را مطرح می‌کنند:

۱. اگر دیه مجازات باشد، نباید به زیان‌دیده داده شود و او بتواند از آن گذشت کرده، مجرم را عفو کند. این امر نشانه حق بودن آن است.

۲. در برخی موارد، در قانون مجازات اسلامی قدیم، دیه خسارت نامیده شده و برای اموری که جرم نیستند، مقرر شده است؛ از جمله در مواد ۳۱۶ (خطای محض)، ۳۱۱ و ۳۱۹ به بعد قانون مذکور.

۳. در صورتی که دیه مجازات محض باشد، زیان‌دیده یا شاکی می‌تواند هم دیه را بگیرد و هم زیان ناشی از جرم را و این امر خلاف اصول مسؤولیت مدنی است؛ زیرا نوعی کسب سود است، نه جبران خسارت [۱۶، ص ۵۷ و ۶۳-۶۴].

وی در نقد ماهیت مدنی محض دیه می‌گوید:

۱. ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی قدیم و ماده ۱۴ ق.م.ا. جدید، دیه را به‌عنوان

مجازات مطرح می‌کند.

۲. اگر دیه صرفاً ماهیت مدنی داشته باشد، به طور منطقی باید امکان جمع آن با قصاص و حدود و تعزیرات وجود داشته باشد؛ ولی قانونگذار دیه را کفه مقابل قصاص ساخته و به شاکی اجازه داده است که یکی از آن دو را انتخاب کند.

۳. در این صورت، باید پذیرفت که آنچه قصاص ندارد، مانند کشتن کافر ذمی و کودک و دیوانه، جرم نیست و مرتکب تنها باید خسارت ناشی از فعل خود را جبران کند (مواد ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۲۳ ق.م. اسلامی قدیم). قانون این نتیجه نامعقول را ردّ می‌کند و با دادن عنوان «قتل» اعمال یاد شده را در زمره جرائم می‌آورد.

۴. اگر دیه مبلغ مقطوع خسارتی باشد که قانونگذار معین کرده است، با صدور حکم به پرداخت دیه باید دعوای خسارت پایان یابد و زیان‌دیده از مطالبه هرگونه مبلغ اضافی محروم شود. این نتیجه را قانون دیات رد نکرده است و رسم دادرسی‌های قدیمی نیز



به همین منوال است. دیوان عالی کشور نیز در رأی اصراری همین نتیجه را دنبال می‌کند؛ زیرا در نظر دیوان آمده است: «... ادعای ضرر و زیان ناشی از جرم بر اثر ضربه مغزی و شکستگی استخوان جمجمه... در دادگاه کیفری مطرح و رسیدگی شده و دادگاه کیفری در حکم خود مقدار دیه را بر طبق قانون دیات معین نموده است. بنابراین، دعوی ضرر و زیان وارد به شخص مزبور بر اثر همین جرم تحت عنوان دیگری غیر از دیه فاقد مجوز می‌باشد...» [۱۶، ص ۶۴-۶۵].

لکن برخی از نویسندگان معتقدند که حتی اگر دیه تنها چهره مدنی داشته باشد، با توجه به عمومات لزوم جبران خسارت، باید تقاضای جبران خسارت اضافی توسط دادگاه استماع گردد [۱۷، ص ۹].

وی در نقد این نظر می‌گوید: «اعتقاد به چهره مدنی محض برای دیه و نفی ماهیت کیفری آن، اثبات وجود حق اضافی را برای قربانی جرم دشوارتر می‌کند، چرا که ظاهر این است که قانونگذار، در مقام بیان چگونگی جبران خسارت و مبلغی که بر عهده مجرم قرار می‌گیرد، به تمام خسارت نظر دارد نه، بخشی از آن» [۱۶، ص ۶۵].

تلاش برای ارجاع دیه به ماهیت کیفری یا مدنی محض در نظامی ممکن است که مرز قاطعی در آن بین این دو وجود داشته باشد. در نظام‌های قدیم این طور نبوده است. مثلاً در حقوق رُم ابطال معامله مکره و تدلیس ماهیت دوگانه داشت. در نظام حقوقی اسلام هم اینچنین است. بنابراین، پاره‌ای امور مدنی در قانون مجازات اسلامی آمده است و در نتیجه، مانعی وجود ندارد که دیه ماهیت دوگانه داشته باشد: ماهیت کیفری دیه، امکان مطالبه خسارات اضافی را فراهم می‌سازد و ماهیت مدنی آن، مانع جمع بین دیه و خسارات ناشی از جرم می‌گردد.

در نظام دیات گاهی بخشی از خسارت جبران نمی‌شود، شخصیت افراد نادیده گرفته می‌شود و خسارت معنوی لحاظ نمی‌گردد. قواعد عمومی مسؤولیت مدنی و قاعده لاضرر اقتضا می‌کند که تمام خسارت‌ها جبران گردد. قانون مجازات اسلامی در بخش دیات قواعد مسؤولیت مدنی را نسخ نکرده و تخصیص نزده است، بلکه تنها

درخصوص موارد دیه، میزان حداقل ضرر ناشی از جرم را معین کرده است؛ یعنی مقادیر معین شده دیه فروض قانونی نسبت به حداقل خسارت است. این راه‌حل موجب جمع بین قواعد مختلف مسؤولیت مدنی و قواعد حاکم بر دیات شده و عقلاً و عرفاً ترجیح دارد.

تعیین مقدار مقطوع حداقل زیان، دو اثر عمده دارد: یکی معافیت زیان‌دیده از اثبات ورود خسارت تا مبلغ معین شده، و دیگری تعیین قاطع مقدار مجازات مرتکب. بنابراین، دلیل واقعی تعیین میزان دیه چهره کیفری این نهاد است، نه شمول آن بر تمام خسارات مادی و معنوی [۱۶، ص ۶۵-۶۶].

البته این نظر از حیث عملی مخالف با مفاد رأی وحدت رویه شماره ۶۱۹ دیوان عالی کشور است که در سال ۱۳۷۶ صادر گردید و ضرر و زیان زاید بر دیه مقدر را نپذیرفت؛ لکن از جهت نظری و تحلیلی صحت و سقم آن همچنان درخور بررسی علمی و فرا قانونی است.

اعتقاد به برخورداری دیه از ماهیت دوگانه و ترکیبی، واقع‌نماتر و با اوصاف و احکام مسلم فقهی آن، سازگارتر است. دو دیدگاه دیگر مبتنی بر پیش‌فرضی است که با توجه به ماهیت اعتباری نهادهای حقوقی، دلیلی بر آن نمی‌توان اقامه کرد. دلیل بطلان دو نظریه رقیب عبارت است از: (۱) بطلان ضرورت برخورداری یک نهاد حقوقی از خصیصه کیفری یا مدنی محض؛ (۲) موارد نقضی که برای هر یک از آنها توسط مخالفان بیان گردید. دلیل اثبات نظریه مختار این است که نهادهای حقوقی مانند دیات که دارای اجزا و ابعاد مختلفی هستند، می‌توانند به لحاظ برخی از ابعاد دارای ماهیت مدنی و آثار و احکام مترتب بر آن؛ و از جهات دیگر، واجد خصیصه کیفری و احکام و آثار آن باشند؛ همانند یک عمل یا واقعه حقوقی که دارای دو خصیصه مدنی و کیفری است و چون جهات و حیثیات متفاوت است تناقض‌آمیز نیست.

۳. تعریف، ویژگی‌ها و ماهیت خسارت‌های تنبیهی

۱-۳. تعریف «خسارات تنبیهی»

در فرهنگ‌های حقوقی «خسارت‌های تنبیهی»^۱ به خسارت‌های مربوط به مجازات و خسارت‌هایی که مشخصات مجازات یا جریمه را دارد، گفته می‌شود [۱۸، ص ۱۲۳۸]. این اصطلاح گاهی معادل «خسارت فرضی و احتمالی»^۲ نیز به کار می‌رود [۱۸، ص ۳۹۲]. گاهی نیز معادل «خسارت عبرت‌آموز»^۳ مورد استفاده قرار می‌گیرد، و مراد از آن خسارتی در مقیاس فزاینده است که براساس خسارت واقعی یا معمولی، به مقدار بیشتر یا کم‌تر به خواهان داده می‌شود؛ آن‌هم هنگامی که خطای انجام شده نسبت به خواهان، با اوضاع و احوال قهری، تعدی (ظلم و تجاوز)، سوءنیت، تقلب و کلاهبرداری، یا برخورد از روی بی‌مبالاتی (بی‌رویه) و شرارت‌آمیز، از سوی خواننده تشدید شده باشد [۱۸، ص ۵۷۱]. همچنین این واژه گاهی معادل «خسارت دفاعی، و تلافی‌جویانه»^۴ و کینه‌جویانه نیز به کار می‌رود [۱۸، ص ۳۹۳؛ ۱۹، ص ۳۴] و برخی نیز آن را «خسارت سزادهنده»^۵ نامیده‌اند [۲۰، ص ۱۳۸۳].

در فرهنگ‌های حقوقی عربی خسارت‌های تنبیهی با عنوان «اضرار تأدیبیه» یا «تضمینات جزائیه» آمده است و در تعریف آن گفته‌اند: «خسارتی است که مقدار و ارزش آن از خسارت واقعی بیشتر است و علت افزایش آن از ضرر وارد به زیاننده این است که علاوه بر صرف جبران خسارت که مدعی در پی آن است، مدعی‌علیه به این ترتیب مورد مجازات نیز قرار گیرد [۲۱، ص ۶۸].

در فرهنگ حقوقی فرانسوی «کورنو» نیز این نوع خسارت به‌عنوان «خسارت تنبیهی»^۶ شناخته می‌شود [۲۲، ص ۲۹۴-۲۹۵، ۶۶۸].

1. punitive damages
2. presumptive damages
3. exemplary damages
4. vindictive damages
5. retributive damages
6. dommage punitive

به طور کلی «اصطلاح «خسارت تنبیهی» در صورتی به کار می‌رود که هدف اصلی از آن جبران خسارت خواهان نیست، بلکه تنبیه خواننده خطاکار است؛ البته در فرضی که رفتار خواننده، علاوه بر ورود خسارت، نسبت به خواهان اهانت‌آمیز باشد، یا بی‌اعتنایی او را نسبت به ایمنی دیگران نشان دهد، یا همراه با تمهیدی برای خودداری از جبران خسارت شود. این خسارت بیش‌تر در مورد متجاوزان به املاک و دزدان و بدکاران دیگر شایع است» [۲۳، ص ۱۰۲].

۱-۱-۳. مقایسه خسارت تنبیهی با جریمه اجبار

مفهوم خسارت تنبیهی شباهت با جریمه اجبار در قانون آیین دادرسی مدنی سابق دارد؛ مفهومی که در حقوق اروپایی نیز شایع و شناخته شده است، با این تفاوت که جریمه اجبار ویژه تعهدهای قراردادی و وسیله‌ای برای اجبار متعهد به اجرای تعهد است، در حالی که خسارت تنبیهی در مسؤولیت مدنی به کار می‌رود و در واقع خسارتی اضافی است که به منظور رفع توهین به خواهان و جلوگیری از امتناع خواننده از اجرای تعهد قانونی خود مقرر می‌شود [۲۳، ص ۱۰۲]. البته در حقوق آمریکا خسارت تنبیهی هم در مورد نقض تعهدات قانونی اجرا می‌شود و هم در مورد نقض تعهدات قراردادی [۲۴، ص ۲۶؛ ۲۵، ص ۱۱۷۳-۱۱۷۶].

۲-۱-۳. پیشینه خسارت تنبیهی در رویه قضایی آمریکا

پیشینه خسارت تنبیهی در حقوق آمریکا به قرن ۱۹ برمی‌گردد و سیر بحث‌های علمی نشان می‌دهد که در ابتدا مشروعیت آن با مخالفت‌های بیش‌تری همراه بوده است [۲۶، ص ۱۳۹؛ ۲۷، ص ۴۹۲-۴۹۷] و با این‌که پاره‌ای از دادگاه‌ها و نویسندگان با امکان صدور حکم به این خسارت اضافی در مسؤولیت محض تولیدکننده مخالف بوده، یا تردید دارند [۲۸، ص ۴۱۳-۴۱۴]، رویه قضایی با به کار گرفتن این وسیله تنبیهی در مسؤولیت ناشی از تولید موافق و همراه است. در دعوی آکاستا (Acosta) علیه شرکت



هوندا در ۱۹۸۳ خواهان به هنگام راندن موتور سیکلت هوندا و به علت خرابی چرخ عقب آن صدمه می‌بیند و از دادگاه جبران خسارت خود بر مبنای مسئولیت محض تولیدکننده را می‌خواهد. هیأت منصفه خوانده را به ۱۷۵۰۰۰ دلار خسارت محکوم می‌کند و در ضمن خسارت تنبیهی را به مبلغ ۲۱۰۰۰۰ دلار به سود خواهان معین می‌سازد؛ ولی در اثر شکایت خوانده دادگاه آن را نمی‌پذیرد. اعتراض عمده دادگاه بر حکم هیأت منصفه در مورد جریمه اجبار است که اجرای آن را در مسئولیت محض مناسب نمی‌داند و با مفاد بند «الف» ماده ۴۰۲ از قانون متحد تجارت آمریکا مخالف می‌بیند.

ولی دادگاه استیناف با ردّ این ایراد نظر می‌دهد که هیچ مانعی وجود ندارد که هیأت منصفه، علاوه بر خسارت ناشی از عیب کالا، تولیدکننده را به دلیل رفتار اهانت‌آمیز و صدمه زدن به خواهان، به خسارت تنبیهی نیز محکوم سازد. در این رأی استدلال شده است که «خسارت تنبیهی وسیله مفیدی برای مجازات اعمال خلاف قانون و اخلاق و مانعی در مقابل تولیدکننده در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی به منظور فرار از جبران عیوب محصول است». از این عبارت به خوبی می‌توان هدف‌های خسارت تنبیهی را استنباط کرد و در هر حال هیأت منصفه در تمیز ضرورت خسارت تنبیهی آزاد است [۲۳، ص ۱۰۲ و ۱۰۳].

به نظر می‌رسد که در این دعوا باید با نظر هیأت منصفه و دادگاه استیناف موافقت کرد؛ زیرا اولاً مسئولیت محض یا شدید راهی برای شناسایی مسئول جبران خسارت و مربوط به جنبه مدنی موضوع است، در حالی که خسارت تنبیهی اثر جنبه کیفری آن می‌باشد. ثانیاً حتی اگر خسارت تنبیهی هم ماهیت مدنی داشته باشد، مبتنی کردن مسئولیت بر فرمول مسئولیت محض یا تقصیر و غیره تنها در ناحیه شرایط مسئولیت تأثیرگذار است، اما در آثار آن و به طور مشخص میزان خسارتی که باید پرداخت شود و چگونگی جبران دخالتی ندارد.

۳-۱-۳. موارد اعمال خسارت تنبیهی در حقوق آمریکا

«در بند ۲ از ماده ۹۰۸ اصول حقوقی انستیتو (حقوق آمریکا) موارد اعمال خسارت تنبیهی بدین شرح معین شده است: «خسارت تنبیهی ممکن است به دلیل رفتار اهانت‌آمیز با هدف شیطان‌ی و پلید خوانده یا کاهلی و بی‌تفاوتی او نسبت به حقوق دیگران داده شود. در تصمیم به برقراری و ارزیابی خسارت کیفری، رفتار خواننده و طبیعت و گستردگی خسارت وارد شده به خواهان که ناشی از عمد یا عمل خوانده بوده و دارایی خواننده، در نظر گرفته می‌شود». در استدلال دادگاه مذکور نیز آمده است که تهیه‌کنندگان اصل ۹۰۸-۲ اجرای آن را در مسؤولیت محض منع نکرده‌اند.

با وجود این، باید توجه داشت که وجود غفلت یا بی‌مبالاتی برای صدور حکم به خسارت تنبیهی کافی نیست و دادگاه‌ها زمانی از این حربه اضافی استفاده می‌کنند که عمد یا سوءنیت و بدخواهی توجیه‌نشده را در خواننده احساس یا انکار حق خواهان را به عمد احراز کنند. این مضمون در ماده ۳۲۹۴ قانون مدنی کالیفرنیا نیز آمده است [۲۳، ص ۱۰۳-۱۰۴].

۳-۲. ویژگی‌های خسارت تنبیهی

۳-۲-۱. مقدار خسارت تنبیهی

۳-۲-۱-۱. مقدار خسارت تنبیهی از خسارت واقعی وارد بر خواهان بیش‌تر است و این مقدار اضافی و مازاد بر خسارت واقعی به این دلیل مقرر می‌گردد که مدعی علیه بدین وسیله مورد مجازات قرار گیرد.

۳-۲-۱-۲. در هنگام صدور حکم به خسارت تنبیهی رفتار خواننده و طبیعت و گستردگی خسارت وارد شده به خواهان که ناشی از عمل خوانده بوده است و دارایی خواننده در نظر گرفته می‌شود.



۲-۲-۳. هدف خسارت تنبیهی: هدف اصلی از خسارت تنبیهی جبران خسارت خواهان نیست، بلکه مجازات خوانده خطاکار و در راستای منافع عمومی و عدالت کیفری است [۲۰، ص ۱۳۸۳؛ ۲۹، ص ۳۶۳-۳۶۴]. البته در این باره مانند سایر مجازات‌ها بین صاحب‌نظران اختلاف وجود دارد و منشأ اختلاف در نامگذاری این نهاد را نیز باید در همین امر جستجو کرد [۳۰، ص ۳۴۶-۳۴۹].

۳-۲-۳. قلمرو خسارت تنبیهی

۱-۳-۲-۳. در موردی به خسارت تنبیهی حکم می‌شود که رفتار خوانده، علاوه بر ورود خسارت، نسبت به خواهان اهانت‌آمیز باشد یا بی‌اعتنایی او را نسبت به ایمنی دیگران نشان دهد، یا همراه با تمهیدی برای خودداری از جبران خسارت باشد؛ و یا خوانده دارای هدف پلیدی بوده، نسبت به دیگران کاهلی و بی‌تفاوتی به خرج دهد.

۲-۳-۲-۳. مورد کاربرد خسارت‌های تنبیهی، اعم از مسئولیت غیرقراردادی و قراردادی است.

۴-۲-۳. مسئول پرداخت خسارت تنبیهی: خسارت تنبیهی را تنها عامل فعل زیانبار پرداخت می‌کند.

۵-۲-۳. انتقال قهری خسارت تنبیهی

۶-۲-۳. مبنای خسارت تنبیهی: جهت صدور حکم به خسارت تنبیهی، وجود غفلت یا بی‌مبالاتی کافی نیست، بلکه باید سوءنیت و بدخواهی غیر قابل توجیه خوانده و یا انکار حق خواهان توسط او احراز گردد. بنابراین، مبنای خسارت تنبیهی حکم قانون است.

۷-۲-۳. گیرنده خسارت تنبیهی

خسارت تنبیهی به خواهان داده می‌شود.

۸-۲-۳. اثر خسارت تنبیهی

اثر خسارت تنبیهی مال مادی اقتصادی است.

۹-۲-۳. جنبه عمومی خسارت تنبیهی

خسارت تنبیهی اثر جنبه عمومی واقعه حقوقی است که دارای دو جنبه عمومی و خصوصی است.

۳-۳. ماهیت خسارت تنبیهی

از ۱۹۸۱ تاکنون در این باره چهار نظریه از سوی دادگاه‌ها، قانونگذاران و دانشمندان ارائه شده که عبارتند از: ۱) ترفیع عدالت،^۱ ۲) انتقام‌جویی،^۲ ۳) مجازات و بازدارندگی،^۳ ۴) جبران خسارت.^۴ [۳۱، ص ۴۵۴-۴۵۵]. دو نظریه نخست را در عمل نمی‌توان آزمود؛ زیرا اولی مستلزم در اختیار داشتن آماری از پرونده‌های مربوط است که در دسترس نیست و آزمون دومی امری است در درون زیاندیده که تنها برای او معلوم است. اما پذیرش دو نظریه دیگر را می‌توان به روش آماری سنجید [۳۱، ص ۴۵۷]. طبق بررسی‌های آماری انجام شده در اکثر ایالات آمریکا خسارت تنبیهی یک مجازات دانسته شده است [۳۱، ص ۴۵۸-۴۶۲]. لکن این مجازات امری است نسبی و متغیر و در تعیین آن باید به وضعیت دریافت‌کننده، توانایی خواننده و مقدار «خسارتی که به‌عنوان معادل زیان»^۵ پرداخت می‌شود، توجه شود [۳۱، ص ۴۶۴-۴۶۵؛ ۳۲، ص ۳۱۳-۳۱۴].

-
1. promotion of justice
 2. revenge
 3. punishment and deterrence
 4. compensation
 5. compensatory damages



[۳۱۳-۳۱۶]

با توجه به تعاریف ارائه شده از خسارت تنبیهی و ویژگی‌های آن‌ها، اکنون می‌توان گفت که خسارت تنبیهی ماهیتی دوگانه دارد. از یک سو دارای پاره‌ای از مشخصات کیفری و جریمه است و از سوی دیگر برخوردار از بعضی ویژگی‌های جبران خسارت است. مثلاً از این جهت که وجود سوءنیت و بدخواهی غیر قابل توجیه خوانده شرط صدور حکم به آن است و یا این که هدف از آن مجازات خوانده است، ماهیت کیفری و مجازات دارد و از این جهت که خسارت تنبیهی به خواهان داده می‌شود و در هنگام صدور حکم به آن، رفتار خوانده و طبیعت و گستردگی خسارت وارد شده به خواهان و دارایی خوانده مورد توجه قرار می‌گیرد، دارای ویژگی‌های جبران خسارت است و ماهیت مدنی دارد.

۴. مقایسه دیه و خسارت تنبیهی

دیه و خسارت تنبیهی اگر چه برآمده از دو نظام حقوقی متفاوت هستند، لکن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند که عمده‌ترین آن‌ها به قرار زیر است:

۴-۱. شباهت‌ها

اساسی‌ترین شباهت‌های دیه با خسارت تنبیهی عبارتند از:

۴-۱-۱. هم دیه و هم خسارت تنبیهی به خواهان و شخص زیان‌دیده پرداخت می‌شود، نه به خزانه دولت.

۴-۱-۲. هر دو دارای جنبه‌های دوگانه مدنی و کیفری هستند و مصداق هر دو عنوانند.

۳-۱-۴. هم دیه و هم خسارت تنبیهی منشأ قانونی داشته، منبع پیدایش آن‌ها قانون است و قرارداد نقشی در پدید آمدن آن‌ها ندارد. البته در مورد تجاوز عمدی به تمامیت جسمانی که موجب استحقاق قصاص می‌گردد، حکم قانونگذار به پرداخت دیه معلق به گذشت مجنی‌علیه یا وراث او از اجرای قصاص است.

۲-۴. تفاوت‌ها

با وجود شباهت‌های دیه و خسارت تنبیهی، تفاوت‌های این دو نیز اندک نیست. عمده‌ترین این تفاوت‌ها به قرار زیر است:

۱-۲-۴. تفاوت در قلمرو

دیه مختص جرائم مربوط به قتل و جرح است، در حالی که خسارت تنبیهی شامل هر نوع ورود خسارتی می‌شود.

۲-۲-۴. تفاوت در آثار

۱-۲-۲-۴. مقدار دیه ثابت است یا به عبارت دیگر فرض قانونی نسبت به مقدار حداقل آن وجود دارد، در حالی که خسارت تنبیهی در جهت حداقل و حداکثر مقدار ثابتی ندارد و وابسته به میزان خسارت اصلی و وضعیت عامل ورود ضرر و زیان‌دیده است.

۲-۲-۲-۴. مقدار خسارت تنبیهی افزون بر خسارت واقعی وارد شده است، ولی مقدار دیه حتی در صورت پرداخت خسارات زاید بر دیه، همان خسارت واقعی وارد شده به خواهان است.

۳-۲-۴. تفاوت در عنصر معنوی

در دیه همواره تعدد لازم نیست و حتی در موارد خطای محض و شبه‌عمد هم دیه ثابت



می‌گردد، ولی درخصوص خسارت تنبیهی صرف وجود غفلت و بی‌مبالاتی کافی نیست و باید سوءنیت و بدخواهی و تعدد خواننده ثابت گردد.

۴-۲-۴. تفاوت در مسؤول جبران خسارت

در مواردی پرداخت دیه را عاقله یا دولت بر عهده می‌گیرند؛ ولی خسارت تنبیهی همواره باید از سوی خواننده پرداخت گردد.

۴-۲-۵. تفاوت در قابلیت انتقال

با مرگ شخص تعدی‌کننده، دیه ساقط نمی‌گردد و مانند سایر دیون مؤجل، حال شده، از ترکه فرد خارج و به زیاننده یا اولیای او پرداخت می‌گردد؛ ولی با توجه به این‌که هدف اصلی از خسارت تنبیهی مجازات خواننده است، اصولاً باید با مرگ خواننده ساقط گردد.

۴-۲-۶. تفاوت در جنبه عمومی و خصوصی

حکم به پرداخت دیه متوقف بر درخواست شخص زیاننده است و مدعی‌العموم خود نمی‌تواند اقدام به صدور حکم در این باره کند، در حالی که صدور حکم به پرداخت خسارت تنبیهی مشروط بر درخواست زیاننده نیست.

۵. نتیجه

یکی از پرسش‌های اصلی این نوشتار امکان جمع جنبه کیفری و مدنی در یک نهاد حقوقی بود. مقایسه دیات و خسارت‌های تنبیهی نشان می‌دهد که مهم‌ترین وجه اشتراک این دو، برخورداری از جنبه‌های دوگانه مدنی و کیفری است. همین امر می‌تواند دلیل قاطعی باشد بر ردّ این دیدگاه که نهادهای حقوقی الزاماً باید تنها دارای

ماهیت کیفری یا مدنی باشند و امکان جمع این دو ویژگی در یک نهاد حقوقی وجود ندارد. البته جمع بین جنبه کیفری و مسؤولیت مدنی در یک نهاد حقوقی از جهات مختلف ممکن است؛ یعنی ممکن است یک نهاد حقوقی از جهت برخورداری از عناصر مجرمانه، دست‌کم در برخی از حالات، دارای اثر حقوقی یک جرم (مجازات) باشد و از سوی دیگر به دلیل وجود عناصر و ارکان یک خطای مدنی در آن، در برخی از حالات، دارای اثر مدنی (جبران خسارت) باشد. ولی بدیهی است که یک نهاد حقوقی از جهت واحد نمی‌تواند هم جرم باشد و هم خطای مدنی.

در پاسخ پرسش دوم باید گفت که در حقوق امریکا نسبت به ماهیت خسارت تنبیهی نظرهای مختلفی وجود دارد و دیدگاه غالب مجازات بودن آن است. ولی کسی قائل به ماهیت دوگانه آن نیست؛ زیرا این خسارت جدا از «خسارت معادل زیان» است، برخلاف دیه که در آن یک پرداخت بیش‌تر وجود ندارد. ویژگی‌های دیات از جهتی با اصول حاکم بر مجازات و از سوی دیگر با قواعد حاکم بر جبران خسارت همخوانی دارد؛ لکن به نظر می‌رسد که وضعیت دیات برخی اصول بنیادینی را که معمولاً مرز بین مجازات و جبران خسارت دانسته می‌شود، مانند لزوم معلوم و شخصی بودن مجازات و ضرورت پرداخت آن به دولت و ... را به طور جدی با چالش مواجه می‌کند. بحث‌های بنیادینی که پرداختن به هر یک از آنها نیازمند پژوهشی مستقل است.

۶. منابع

- [۱] فیومی، احمد، مصباح المنیر، ج ۲، بیروت، المكتبة العلمیه، بی‌تا.
- [۲] فیروزآبادی، مجدالدین، القاموس المحیط، ج ۴، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
- [۳] دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، تهران، سیروس، ۱۳۲۵-۱۳۴۹.
- [۴] شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۲، قم، بصیرتی، ۱۳۹۹ق.
- [۵] نجفی، شیخ محمدحسین، جواهرالکلام، ج ۴۳، چ ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.



- [۶] خوبی، سیدابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، بیروت، دارالزهراء، بی تا.
- [۷] شفیعی سروسستانی، ابراهیم، محمدکاظم رحمان ستایش و جلال الدین قیاسی، قانون دیات و مقتضیات زمان، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۶.
- [۸] جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چ ۴، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۸.
- [۹] صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چ ۴، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱.
- [۱۰] ادريس، عوض احمد، الدیه بین العقوبه و التعویض (دیه)، ترجمه علیرضا فیض، چ ۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
- [۱۱] محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
- [۱۲] حسینی نژاد، حسینقلی، مسؤولیت مدنی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
- [۱۳] گرجی، ابوالقاسم، دیات، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- [۱۴] صالحی، فاضل، دیه یا مجازات‌های مالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- [۱۵] عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۲، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق.
- [۱۶] کاتوزیان، ناصر، مسؤولیت مدنی، ج ۱، چ ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- [۱۷] مرعشی، سید محمدحسن، «دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۱، ۱۳۷۰.
- [18] Henry Campbell, *Black's Law Dictionary*, 6th Ed, 7th Reprint, United States, west, 1993.
- [19] Lewis Lawrence Smith, "Punitive Damages", *the American Law Register and Review*, Vol. 41, No. 6, (First Series) Volume 32(Second Series, Volume 6) (Jun., 1893).
- [20] Dan Markel, "How Should Punitive Damages Work?", *University of Pennsylvania Law Review*, Vol. 157, No. 5 (May, 2009).

- [۲۱] فاروقی، حارث سلیمان، *المعجم القانونی*، ط ۳، بیروت، مکتبه لبنان، ۱۹۹۱.
- [22] Gerard Cornu, *vocabulaire juridique*, sixieme' edition, Paris, association Henri capitant, 1996.
- [۲۳] کاتوزیان، ناصر، *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- [24] Dodge. William S, "The Case for Punitive Damages in Contracts", *Duke Law Journal*, Vol. 48, No. 4 (Feb., 1999).
- [25] Morris. Clarence, "Punitive Damages in Tort Cases", *Harvard Law Review*, Vol. 44, No. 8 (Jun., 1931).
- [26] John Calvin Jeffries, Jr, "A Comment on the Constitutionality of Punitive Damages", *Virginia Law Review*, Vol. 72, No. 1 (Feb., 1986).
- [27] Raleigh C. Minor, "the Anomalous Doctrine of Punitive Damages", *Virginia Law Review*, Vol. 5, No. 7 (Apr., 1918).
- [28] Andrew F. Daugherty and Jennifer F. Reinganum, "Products Liability, Punitive Damages, and Competition", *Journal of Law, Economics, & Organization*, Vol. 13, No. 2 (Oct., 1997).
- [29] Sharkey, Catherine M, "Punitive Damages as Societal Damages", *The Yale Law Journal*, Vol. 113, No. 2 (Nov., 2003).
- [30] Thomas A. Eaton, David B. Mustard, and Susette M. Talarico, "The Effects of Seeking Punitive Damages on the Processing of Tort Claims", *The Journal of Legal Studies*, Vol. 34, No. 2 (June 2005), pp. 343-369.
- [31] Joan T. Schmitt, S. Travis Pritchett and Paige Fields, Punitive Damages: Punishment or Further Compensation? *The Journal of Risk and Insurance*, Vol. 55, No. 3 (Sep., 1988).
- [32] Viscusi, W. Kip, "the Challenge of Punitive Damages Mathematics", *The Journal of Legal Studies*, Vol. 30, No. 2 (June 2001).